



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۹۷

نگرشی مقایسه‌ای به اهداف شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری با کارکردها و جایگاه فعلی آن

سید سپهر قاضی نوری^۱

الف - پیشینه گذشته

از نیمه‌های دهه ۱۳۷۰ که بحث تغییر ساختار وزارت علوم مطرح شد و اولین مطالعات تطبیقی بر روی سایر کشورها انجام گرفت همواره انگیزه مطروحه برای این امر، ضرورت تمرکز کشور بر روی توسعه فناوری و نوآوری به عنوان یک امر فرادستگاهی بود و نهایتاً پیشنهادی که از وزارت فرهنگ و آموزش عالی آن روز صادر شد تبدیل همان وزارتخانه به وزارت علوم تحقیقات و فناوری بود با این استدلال که دانشگاه‌ها بر اساس قوانین جدید، رو به سمت استقلال از وزارتخانه حرکت می‌کنند و لذا وزارت مزبور می‌تواند وظایف جدیدی را بپذیرد. در همین راستا نیز بین سال‌های ۸۲ تا ۸۴ روسای دانشگاه‌ها تا حدی به شکل انتخابی توسط اعضای هیئت علمی برگزیده می‌شدند که با روی کار آمدن دولت نهم این رویه متوقف شد و نهایتاً هم آیین‌نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد مدیریت دانشگاه‌ها کاملاً به آن خاتمه داد و بحث استقلال دانشگاه‌ها در عمل منتفی شد. لذا وزارت علوم تحقیقات و فناوری با دو سلسله وظایف قبلی و جدید مواجه شد که ساختار و سازماندهی سنتی آن وزارتخانه به هیچ وجه توان پیگیری موفق هر دو را نداشت.

۱. استاد گروه مدیریت فناوری دانشگاه تربیت مدرس؛ رایانامه: Ghazinoory@modares.ac.ir



و اما مهم ترین قسمت قانون جدید وزارت علوم تحقیقات و فناوری مصوب (۱۳۸۲) که البته در ماده ۹۹ برنامه سوم توسعه نیز به آن اشاره شده بود^۲ یعنی «تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه تحقیقات و فناوری»، عملاً یک فعالیت کاملاً فرابخشی بود که نیاز داشت همه دستگاه‌های کشور در آن مشارکت کنند زیرا هیچ قوه و دستگاه و سازمانی نیست که از پژوهش و فناوری بی نیاز باشد.

بر همین اساس طراحان لایحه وزارت علوم جدید، از همان سال ۷۹ به دنبال تشکیل یک شورای عالی فراقوه‌ای بودند که مصوبات آن حکم قانون داشته باشد. چنین چیزی در آن مقطع طبعاً امکان‌پذیر نبود و به تدریج تقاضای آنان تبدیل به شورایی با مصوبات در حد دولت شد اما در زمان تصویب و با مقاومت شورای نگهبان (که البته دانشگاه‌های قدرتمند غیر دولتی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و حتی بعضی از وزارتخانه‌های دولتی که نگران اختیارات خود بودند نیز در آن نقش داشتند) شورای عتف به وضع فعلی درآمد که مصوبات آن عملاً به کمیسیون‌های تخصصی دولت ارجاع می‌شود و هیچ امتیاز ویژه‌ای ندارد ضمن اینکه وظایف و اختیارات آن نیز طبق ماده ۴ قانون مزبور و سایر قوانین بعدی محدود به موارد ذیل شد:

۱. اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های اجرایی بلندمدت سرمایه‌گذاری کلان در بخش‌های آموزشی و پژوهشی و فناوری (ماده ۴ قانون وزارت علوم)
۲. بررسی و پیشنهاد منابع مالی مورد نیاز در حوزه‌های علوم تحقیقات و فناوری (ماده ۴ وزارت علوم)
۳. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و پیگیری اجرای قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان (ماده ۲ قانون دانش‌بنیان)
۴. وابسته بودن صندوق نوآوری و شکوفایی به شورا (ماده ۵ قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان)
۵. تصویب اولویت‌های تحقیقاتی دستگاه‌ها و جمع‌بندی آن جهت ارائه به مجلس (ماده ۵۶ قانون الحاق مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳)
۶. نظارت بر هزینه کرد ۳ درصد سود در تحقیق و توسعه توسط شرکت‌های دولتی و نهادهای

۲. ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه:

به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، از ابتدای برنامه سوم توسعه کشور، «وزارت فرهنگ و آموزش عالی» به «وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری» تغییر نام می‌یابد و وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فن آوری به وظایف وزارتخانه مذکور افزوده می‌شود. دولت موظف است اصلاحات لازم در اهداف، وظایف و تشکیلات وزارتخانه مذکور را طی مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، تدوین و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.



عمومی غیردولتی (بند ب ماده ۶۴ قانون برنامه ششم)

البته در ذیل وظایف مزبور هیئت وزیران نیز موارد زیر را به شورای عتف محول کرده است:

۱. راهبری و مدیریت تاسیس و توسعه مناطق ویژه علم و فناوری (ماده ۳ آیین نامه مناطق مزبور مصوب ۱۳۸۹ دولت)
۲. تصویب شیوه نامه آینده نگاری ملی علم و فناوری (مصوب ۱۳۹۳ دولت)
۳. شرح وظایف تفصیلی شورای عتف (مصوب ۱۳۹۵ دولت)

و اما به لحاظ ساختاری، رکن کارشناسی شورای عتف، دبیرخانه است که بر اساس تبصره ۲ ماده ۴ قانون وزارت تشکیل علوم در همین وزارتخانه مستقر است. اولین جلسه شورای عالی عتف در اواخر دولت هشتم تشکیل شد اما مصوبات آن فرصت امضا توسط رئیس جمهور دولت هشتم را نیافت و به دولت نهم رسید. با شروع دولت نهم و در اقدامی به ظاهر استثنایی، وزیر علوم وقت علاوه بر ادغام معاونت های پژوهش و فناوری، شخص معاون پژوهش و فناوری خود را به عنوان دبیر به رئیس جمهور معرفی کرد که این انتصاب انجام شد. سپس آیین نامه داخلی این شورا در اردیبهشت ۸۵ به تصویب خود شورا رسید و مقرر شد دبیر تحت عنوان «دبیر کل» و با پیشنهاد وزیر علوم و تایید رئیس جمهور منصوب شود. اما از آن پس هم ظاهراً همان امر استثنایی، شکل دائمی یافت و همواره دبیر کل عتف همان معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم بوده است.

ب- وضعیت فعلی

سیر نزولی طی شده در تصویب جایگاه قانونی شورای عتف، طبیعتاً موجب شد که پس از تصویب قانون آن در یک فرآیند چند ساله، سردرگمی خاصی بین دست اندران ایجاد شود. لذا تقریباً تا دو سال بعد از ابلاغ قانون نیز فعالیت جدی شورا شروع نشده بود.^۲

به تدریج کار با پرسنل مختصری در داخل ستاد معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم آغاز شده بود که اتفاق جدیدی رخ داد: تشکیل ناگهانی معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور!

هر چند این معاونت که با بودجه سنگین حدود ۶۰۰ میلیارد تومان (در سال ۸۶) شروع به کار کرده بود هیچ گاه صاحب شرح وظایف قانونی و دقیقی که مرز بین آن را با وزارت و شورای عتف مشخص کنند نشد اما بهر حال مطابق وظیفه هر معاونت رئیس جمهور، از آن انتظار می رفت به هماهنگی بین دستگاه ها و وزارتخانه ها بپردازد و این دقیقاً همان وظیفه مورد نظر

از شورای عتف بود!

۳. لازم به ذکر است که در دولت هشتم، معاون پژوهشی وقت وزارت علوم با ابتکار شخصی خود شورایی به نام تحقیقات و فناوری تشکیل داده بود که عملاً معادل به کمیسیون دائمی عتف موجود فعالیت می کرد و لذا سابقه ای هم در این زمینه موجود بود.



البته یک بار هم این شورا به همراه تعداد زیادی از شوراهای دیگر توسط دولت نهم منحل شد که پس از مدت‌ها تعطیلی مجدداً توسط مجلس شورای اسلامی احیا گردید.

با این حال و در زمان تشکیل دولت دهم، معاون پژوهش و فناوری جدید وزارت با اقدامی شایسته دبیرخانه عتف را به مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور سپرد تا از امکانات آن مرکز برای توسعه عتف استفاده شود هر چند که این سازماندهی جدید نیز مدت زیادی وقت گرفت. در ادامه دولت دهم، انرژی شورای عتف صرف پرداختن به دو موضوع اساسی شد:

- تصویب طرح‌های کلان متعدد که در اواخر این دولت و با عجله و بدون پشتوانه کارشناسی و تامین مالی صورت گرفت و به مثابه استخوانی در گلوئی این شورا باقی ماند.
- اتفاق مهمتر ارائه لایحه حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان تهیه شده در معاونت علمی به مجلس بود که به دلیل همین اختلاف نظرها تصویب آن ۳ سال به طول انجامید. نهایتاً هم یک توافق درونی دولت شکل گرفت که مقرر شد به جای باز پس‌گیری لایحه، اجازه دهند مجلس امور شرکت‌های دانش‌بنیان را به عتف واگذار کند و در داخل دولت، کار به معاونت سپرده شود.^۴

طبیعی بود که چنین توافقی چه عواقبی داشته باشد و چگونه تمام وقت هر دو دستگاه را تا آخر دولت دهم به درگیری و مشاجره علنی مشغول نماید.

دیده می‌شود که شورای عالی عتف هیچ‌گاه دارای فضای فعالیت شفافی مشخصی نشده است: از یک سو شورای عالی انقلاب فرهنگی خود را متولی سیاست‌های علم و فناوری کشور میدانند و از سوی دیگر معاونت علمی و فناوری کار هماهنگی بین دستگاه‌های درون قوه مجریه را وظیفه خود می‌شناسد. به همه اینها باید اضافه کرد که رئیس دولت دهم، وزیر علوم را طبق اصل ۱۲۷ قانون اساسی دارای تمام اختیارات رئیس جمهور در حوزه علم و فناوری معرفی کرده بود که اغتشاش عجیب و غریبی بر اوضاع حاکم نموده بود و جلسات کمیسیون علم و فناوری دولت به دلیل اختلافات بین‌المللی دو دستگاه تشکیل نمی‌شد.

اما قصه پرغصه شورای عالی عتف فقط به مشکلات بیرونی آن ختم نمی‌شد و یک پارادوکس داخلی هم وجود داشت: انتصاب معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم به عنوان دبیر کل عتف که موجب می‌شود تمام هم و غم دبیرخانه شورا، سرازیر کردن منابع مالی سایر دستگاه‌ها به سمت دانشگاه‌ها باشد و این خود بر نگرش منفی و همکاری نکردن دستگاه‌ها با شورا می‌افزود تا جایی که جلسات شورا در دولت دهم بسیار کند و نامرتب تشکیل می‌شد. هرچند از دولت یازدهم انتظار می‌رفت چاره‌ای اساسی برای مشکلات و تداخلات در سیاست‌گذاری علم و فناوری بیندیشد و فی‌الواقع هم در ابتدای این دولت، اراده جدی در این

۴. نگاه کنید به کتاب «دو مو» خاطرات دکتر سالار آملی معاون وقت معاونت علمی و فناوری



مورد وجود داشت که به امضای یک تفاهم‌نامه تفکیک وظایف بین معاونت علمی و وزیر علوم نیز منجر شد اما به تدریج و با کم شدن انگیزه‌ها و جابجایی مسئولین در هر دو نهاد، این تفاهم‌نامه به جای نرسید و روال «کج دار و مریز» ادامه یافت که البته این امر مستلزم نقض مکرر و مداوم قوانین کشور بوده است.

در مورد این نقض قوانین، کافی است به وضعیت امروزی وظایف قانونی شورای عتف که طی ۶ بند در قسمت قبلی گزارش برشمردیم اشاره شود:

۱. اولویت‌بندی و انتخاب طرح‌های کلان: امروزه طرح‌های کلان جدیدی راساً توسط معاونت علمی و بدون تصویب سایر دستگاه‌ها، تعیین و اجرا می‌شوند در حالی که طرح‌های کلان مصوبه قبلی عتف فاقد بودجه و معلق مانده هستند.

۲. بررسی و پیشنهاد منابع مالی علم و فناوری: در این مورد تا به حال اقدامی از سوی شورای عتف مشاهده نشده است و البته اگر هم پیشنهادی از سوی آن تهیه شود ضمانتی ندارد که مورد توجه سازمان برنامه و بودجه قرار گیرد.

۳. سیاست‌گذاری و پیگیری قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان: که در دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز متعاقب دولت دهم، به معاونت علمی سپرده شده و لذا مواد متعدد این قانون در مورد نقش شورای عالی عتف کاملاً نقض شده است.

۴. وابسته بودن صندوق نوآوری و شکوفایی به شورا: که اصلاً اتفاق نیافتاده است و صندوق یک نهاد عمومی غیر دولتی و هیئت امنایی است که نقش اصلی آن را معاونت علمی رئیس‌جمهور به عهده دارد در حالی که قانوناً باید زیر نظر رییس عتف (رییس‌جمهور) باشد.

۵. تصویب و جمع‌بندی اولویت‌های تحقیقاتی دستگاه‌ها: اتفاق مرسوم شورا در این مورد آن است که فهرست اولویت‌ها را از خود دستگاه‌ها گردآوری کرده و یک‌جا مصوب می‌کند و لذا چنین اقدامی صرفاً یک عامل تعویق قراردادهای پژوهشی است و هیچ نقشی در هدایت آنها ندارد.

۶. نظارت بر هزینه تحقیق و توسعه شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی که هنوز جدی نشده و ظاهراً سرنوشتی جز بند ۵ فوق نخواهد داشت.

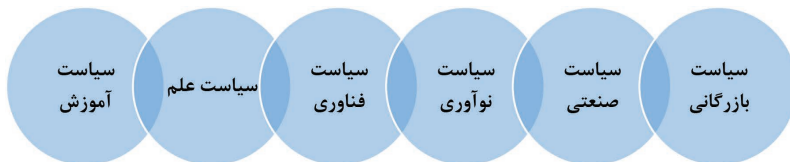
گفتیم که ذیل وظایف قانونی مزبور برخی موارد نیز توسط هیات وزیران به شورای عتف محول شده است که عملاً وزن خاصی ندارند و برخی نیز مانند آینده‌نگاری در عمل توسط نهادهای دیگری انجام می‌شود.



ج- تحلیل شرایط موجود

حال سوال این است که یک شورای عالی تشکیل شده توسط قانون وزارت علوم، که یک بار هم تشکیل مجدد آن توسط قانون «احیای شوراهای عالی» مورد تأکید مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است (یعنی دوبار مصوبه قانونی صریح دارد) چرا به این روز افتاده و عملاً هیچ خاصیتی از خود بروز نمی‌دهد؟

این در حالی است که می‌دانیم مهم‌ترین و خطرناک‌ترین وظیفه این شورا که هنوز هم مغفول است و هیچ نهادی به آن نمی‌پردازد مدیریت یکپارچه زنجیره علم و فناوری تا نوآوری و بازار است.



چنانچه در شکل بالا دیده می‌شود زنجیره‌ای بزرگ از سیاست‌ها باید به شکلی هماهنگ مدیریت شود (و از آنجا که بین هر دو حلقه همسایه با هم، اشتراکاتی وجود دارد کار مشکل‌تر می‌شود) تا علم به ثروت تبدیل شود و طبیعی است که نمی‌توان همه این فعالیت‌ها را داخل یک وزارتخانه جا داد. پس یک نهاد هماهنگی فرادستگاهی قطعاً مورد نیاز می‌باشد. کاری که اکنون نه توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌شود (که به سیاست‌های کلان اشتغال دارد) و نه توسط معاونت علم و فناوری (که بیشتر پروژه محور است و نه سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده) و نه توسط شورای عالی عتف.

دلایل پانگرفتن واقعی شورای عالی علوم تحقیقات و فناوری را می‌توان شامل موارد ذیل دانست:

۱. واقعیت آن است که حرمت این شورا حتی توسط متولی خود نیز رعایت نشده است. انتخاب یکی از مشغول‌ترین معاونین وزارت علوم به عنوان دبیر کل عتف، نشان می‌دهد که وزارت علوم هم دبیری عتف را یک شغل کامل و تمام وقت نمی‌داند. این در حالی است که ماهیت شغلی معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم (که متولی پارک‌های فناوری و مراکز رشد، پژوهشگاه‌ها، صندوق‌های پژوهش و فناوری، انجمن‌های علمی، مجلات علمی و از همه مهم‌تر امور پژوهشی دانشگاه‌هاست)، به کلی متفاوت با ماهیت کار دبیر کل عتف است که باید رابط بین عرضه دانش کشور (یعنی دانشگاه‌های هر دو



وزارت علوم و بهداشت و نیز آزاد اسلامی و ...) با تقاضای دانش کشور (دستگاه‌های اجرایی و نهادها و شرکت‌ها و ...) باشد.

این گونه است که هیچ وزارتخانه‌ای شورای عتف را فرادستگاهی بی طرف نمی‌داند بلکه آن را داخلی وزارت علوم و در راستای ماموریت‌های آن تلقی می‌کند. این مشکل به ویژه در مورد بخش سلامت پیچیده تر می‌شود.

۲. متاسفانه دبیرخانه شورای عتف فاقد بدنه کارشناسی مناسب است. البته طبیعی است که در جوامع امروزی نمی‌توان همه فرهیختگان و خبرگان یک حوزه را در یک ساختار سازمانی دولتی جمع کرد اما فی الواقع مکانیزمی هم برای شبکه‌سازی بین اهل فن حوزه سیاست‌گذاری علم و فناوری به وجود نیامده است.

۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی دچار تضادهای نگرشی و ماموریتی با شورای عتف است و هر چند رئیس هر دو شورا، ریاست جمهوری است اما ظاهراً چشم‌اندازی برای حل این معما دیده نمی‌شود.

۴. دولت‌ها (اعم از نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم) به طرز شگفت‌انگیزی نسبت به تداخل کارکردهای معاونت علمی و فناوری با شورای عتف و وزارت علوم چشم‌پوشی کرده و حتی در مواردی مانند سال‌های آخر دولت دهم به آن دامن زده‌اند. درک علت این رفتار دولت‌ها البته کار ساده‌ای نیست ولی به نظر نمی‌رسد بدون مداخله مجلس شورای اسلامی و تصویب قانون جدید این معضل به انتها برسد و سیاست‌گذاری علم، فناوری و نوآوری در کشور سامان یابد.

۵. متاسفانه تساهل و چشم‌پوشی مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سایر نهادهای نظارتی بر روی نقض مکرر قوانین جاری (به ویژه ماده ۳ قانون تشکیل وزارت علوم و مواد ۲ و ۴ و ۵ و ۱۰ و ۱۳ قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان) نیز در ایجاد شرایط ناگوار فعلی موثر بوده است.

راهکارهای آینده

با توجه به وضع موجود به نظر می‌رسد که بایستی در سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و طی اقداماتی نسبت به اصلاح این وضعیت همت گماشت:

د-۱ راهکارهای کوتاه مدت (فوری)

- مهم‌ترین اقدام فوری، تفکیک بین دبیرکل شورای عتف با معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم است تا مشکلات داخلی وزارت علوم و سوء تفاهمات بین شورای عتف با سایر



دستگاه‌های اجرایی حل شود.

- یک اقدام دیگر، مطالبه مجلس شورای اسلامی از ریاست محترم جمهور برای تفکیک وظایف شورای عتف از معاونت علم و فناوری و تشکیل مرتب جلسات این شورا است (که البته برخلاف دولت‌های نهم و دهم در چهار سال اخیر به شکل نسبتاً منظم به ریاست معاون اول رئیس جمهور برگزار شده است).

- ماده ۵ قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان که صندوق نوآوری را وابسته به شورای عتف و زیر نظر رئیس جمهور می‌داند (و البته این وابسته بودن، جمله‌ای مبهم است). لذا شاید تنها راه حقوقی برای اجرای این ماده، واگذاری نیابت رییس هیات امنای صندوق مزبور به وزیر علوم باشد.

د- ۲ راهکارهای میان مدت (یک ساله)

- پیگیری مجلس شورای اسلامی برای اجرای مواد مغفول مانده قوانین مربوطه که به آنها اشاره شد به ویژه ماده ۴ قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان (واگذاری پژوهشگاه‌های دولتی) که وظیفه شورای عالی عتف بوده و به کلی فراموش شده است.

- همچنین جلب توجه دولت به این نکته که بر اساس ماده ۱۰ قانون شرکت‌های دانش بنیان هرگونه تسهیلات و مزایای این قانون از سوی هر دستگاهی اعم از معاونت علمی، وزارت علوم، صندوق نوآوری و غیره باید به تصویب شورای عتف می‌رسیده است و تاکنون هم خلاف قانون اتفاق افتاده که می‌تواند به راحتی توسط دیوان عدالت اداری متوقف گردد و ضربه سختی به شرکت‌های دانش بنیان وارد آید. البته انواع خدمات مالی صندوق نوآوری و شکوفایی توسط عتف در سال ۹۱ پیشنهاد و توسط دولت مصوب شده است و همچنان در حال عمل به آن‌هاست.

- شفاف کردن مرز و حیطه فعالیت شورای عالی عتف نسبت به شورای عالی انقلاب فرهنگی که علی‌القاعده باید توسط ریاست جمهور به عنوان رئیس هر دو شورا پیگیری شود. البته خوشبختانه به نظر نمی‌رسد که موضوعات مورد توقع از شورای عتف، اصولاً مورد علاقه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد و لذا نباید مشکل خاصی در این مورد وجود داشته باشد.

- تقویت ساختار و بودجه شورای عتف برای انجام طرح‌های کلان بین دستگاهی و نیز تعمیق توان کارشناسی دبیرخانه شورا برای انجام هماهنگی‌های واقعی در زنجیره سیاست‌های مورد نیاز از علم تا ثروت.

د- ۳ راهکار بلند مدت (سه ساله)

مهمترین اقدام بلند مدت، باید بازآرایی نهادی سیاست‌گذاری علم و فناوری در کشور باشد.



این موضوع اکنون در کشور ما چه به لحاظ عملیاتی و چه به لحاظ تئوریک به بلوغ قابل قبولی رسیده و حال وقت آن فرارسیده که یک بار دیگر و پس از تحولات برنامه سوم توسعه به آن پردازیم.

قبل از هر چیز لازم است که ماهیت فناوری را بشناسیم و دیدگاه ملی نسبت به آن را تبیین کنیم: - در برخی کشورها مانند کشورما، امور فناوری در وزارت علوم قرار دارد. این بدان معناست که فناوری را حاصل کاربردی کردن علم می‌دانند.

- در بسیاری از کشورها هم امور فناوری به وزارت صنایع سپرده شده است با این استدلال که فناوری، ابزار رقابتی کردن صنعت است.

- حالت‌های دیگری نیز وجود دارد مثلاً در سال ۱۹۹۸ دولت گرهارد شرودر در آلمان امور فناوری را به وزارت اقتصاد منتقل کرد به این دلیل که فناوری را کالای اقتصادی و قابل معامله می‌دانست.

گزارش حاضر، به هیچ وجه در صدد نیست که ساختار خاصی را برای ایران توصیه نماید اما آنچه مسلم است اگر به دنبال تحقق اهداف چشم‌انداز و نقشه جامع علمی هستیم باید برای سیاست‌گذاری علم و فناوری کشورمان طرحی نو دراندازیم.